

نشانہ شناسی و زبان شناسی:

نشانہ سازی، ارتباط و زبان

تقديم به نشانه‌شناس، زبان‌شناس و به گفته پيرس،

«حكيم بى‌بديل»، توماس آ. سيياك

و به ياد ويليام ج. استوكى

اُبردِ مرد «نشانه» و نشانه‌ها.

پاول كابلې

نشانہ شناسی و زبان شناسی:

نشانہ سازی، ارتباط و زبان

ویراستار مجموعہ:

پاول کابلی

[Paul Cobley]

دکتر راحلہ نعمتگر



انتشارات
سیاہرود

سرشناسه: کابلی، پاول، ۱۹۶۳ - م.

Cobley, Paul

عنوان و نام پدیدآور: نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی: نشانه‌سازی، ارتباط و زبان

مشخصات نشر: تهران: سیاه‌رود، ۱۳۹۴

مشخصات ظاهری: ۲۸۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۱۷-۲۴-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیپای مختصر

یادداشت: فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.

یادداشت: عنوان اصلی: The routledge companion to semiotics

شناسه افزوده: گندمکار، راحله، ۱۳۶۱ -

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۱۶۲۱۵



انتشارات
سیاه‌رود

ویراستار مجموعه: کابلی، پاول

مترجم: راحله گندمکار

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

تاریخ نشر: ۱۳۹۴

نوبت چاپ: اول

مدیر اجرایی: رحمان تقوی ساروکلایی

صفحه‌آرایی و گرافیک: مهدیه دربندی

طراح جلد: ابوالفضل زندیه

لیتوگرافی و چاپ: دبیرین نگار

قطع: رقعی

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

نشانی: تهران، میدان انقلاب، ابتدای کارگر جنوبی، کوچه رشتچی،

پلاک ۷، واحد ۸

ارتباط با ما: ۰۶۶۹۰۶۷۸۶ / ۰۶۶۹۰۶۷۴۹

آدرس سایت: siahroutpub.ir

ایمیل: siahrout@gmail.com

فهرست مطالب

پیشگفتار مترجم	۶
یادداشتی درباره نویسندگان	۸
سپاسگزاری	۱۲
مقدمه / پاول کابلی	۱۴
۱. ارتباط غیر کلامی / توماس آ. سببیاک	۳۳
۲. مفهوم نشانه از دیدگاه چارلز سندرس پیرس / فلویید مرل	۵۳
۳. سرچشمه‌های زبان / ویلیام ج. استوکی	۷۳
۴. زبان در بوم‌شناسی ذهن / اری جکندوف	۹۵
۵. زبان‌شناسی اجتماعی و نشانه‌شناسی اجتماعی / گونتر کریس	۱۱۷
۶. کاربردشناسی / یف فرشورن	۱۴۵
۷. تغییر زبان / جین اچیسون	۱۶۳
۸. انقلاب‌های چامسکیایی / ارفائل سالکی	۱۸۱
۹. زبان‌شناسی پس از سوسور / روی هریس	۲۰۱
۱۰. گفتمان / نیکلاس کوپلند و آدام یاورسکی	۲۲۷
منابع	۲۵۳
واژه‌نامه	۲۷۱
نمایه	۲۸۳

پیشگفتار مترجم

پاول کابلی در مقام ویراستار این مجموعه، چهره مطرخی در نشانه‌شناسی و حوزه ارتباطات به حساب می‌آید. او کوشیده است تا با گردآوری مجموعه‌ای از معتبرترین و بنیادی‌ترین مقالات در نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی، امکان درک ساده‌تر مفاهیم و مقولات مطرح در آن‌ها و جریان‌های کلی حاکم بر آن‌ها را فراهم آورد. او ضمن ارائه مقدمه‌ای مفصل و جالب، تصویری کلی از مقالات ارائه شده در کتاب حاضر را به دست می‌دهد؛ مقالاتی که هر یک به شکلی، رابطه نزدیک و انکارناپذیر نشانه، زبان و ارتباط را می‌نمایانند.

هر یک از مقالات این کتاب می‌تواند پاسخی به یک یا چند پرسش اساسی در نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی به حساب آید؛ پاسخ‌هایی که از سوی یکی از سرشناس‌ترین استادان این حوزه‌ها ارائه شده‌اند. اینان با طرح موضوعی بحث‌برانگیز، خواننده را در جریان چالش‌های موجود در باب آن موضوع قرار داده و ضمن طرح نکات و مفاهیم کلیدی، او را به روشنی در مسیری قرار می‌دهند که بتواند به تصویر کاملی از موضوع و مسائل مطرح در آن دست یابد. بدون تردید، کتاب حاضر می‌تواند منبع معتبری برای دانشجویان، پژوهش‌گران و علاقمندان حوزه‌های نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی در هر سطحی باشد.

نسخه انگلیسی این کتاب، شامل دو بخش است؛ بخش نخست که شامل همین مجموعه مقالات است، و بخش دوم که فرهنگ لغتی برای واژه‌های کلیدی مقالات است. متأسفانه به دلیل محدودیت‌های حاکم بر چاپ، و حجیم شدن کتاب که بیشتر جنبه آموزشی دارد تا منبعی برای ارجاع، تصمیم گرفته شد تا از ترجمه بخش دوم صرف نظر شود. لازم به ذکر است که حذف آن بخش، هیچ‌گونه اختلالی در ترجمه مقالات یا درک مفاهیم ایجاد نکرده است. مترجم کوشیده تا به کمک همان فرهنگ

لغت، مفاهیم مورد نظر را به فارسی برگردانند. نکته دیگر این که ناشر ترجیح داد تا عنوان بخش نخست یعنی «نشانه‌سازی، ارتباط و زبان» را در قالب عنوان فرعی کتاب بیاورد. امید است که ترجمه حاضر، برای ذهن پرسش‌گر خوانندگان اش مفید باشد.

راحله گندمکار

تهران ۱۳۹۴

یادداشتی درباره

نویسندگان

آدام یاورسکی^۱ مدرس ارشد در مرکز پژوهش زبان و ارتباطات در دانشگاه کاردیف. آثار او شامل قدرت سکوت^۲ و سکوت: دیدگاه‌های میان‌رشته‌ای^۳ است. یکی از کتاب‌های او که به زودی منتشر خواهد شد مفاهیم کلیدی مرتبط با زبان و جامعه^۴ است که با همکاری نیکولاس کوپلند^۵ به رشته تحریر درآمده است.

پاول کابلی^۶ دانشیار در زمینه ارتباطات در دانشگاه گیلهاال لندن. آثار او شامل درآمدی بر نشانه‌شناسی^۷ (با همکاری لیزا یانز^۸)، هیجان آمریکایی: نوآوری کلی و تغییر اجتماعی در سال‌های دهه ۱۹۷۰^۹ است. او ویراستار کتاب خواننده نظریه ارتباط^{۱۰} نیز به حساب می‌آید.

توماس آ. سیبیاک^{۱۱} استاد ممتاز بازنشسته زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی و عضو ارشد مرکز علوم اطلاعات در دانشگاه ایندیانا. او ویراستار دانشنامه نشانه‌شناسی^{۱۲} (ویراست دوم، جلد ۱-۳، ۱۹۹۴)، و کمک‌ویراستار نشانه‌شناسی: درسامه‌ای در باب بنیان‌های نشانه‌ای - نظری طبیعت و فرهنگ^{۱۳} (جلد ۱-۳، ۱۹۹۷) بوده است.

جین اچیسون^{۱۴} استاد زبان و ارتباطات در دانشگاه آکسفورد. او نویسنده کتاب‌هایی نظیر تغییر زبان: پیشرفت یا زوال^{۱۵} (ویراست سوم) و بذره‌های گفتار:

-
- | | |
|---|--|
| 1. Adam Jaworski | and Social change in the 1970s |
| 2. <i>The Power of Silence</i> | 10. <i>The Communication Theory Reader</i> |
| 3. <i>Silence: Interdisciplinary Perspectives</i> | 11. Thomas A. Sebeok |
| 4. <i>Key Concepts in Language and Society</i> | 12. <i>Encyclopedic Dictionary of Semiotics</i> |
| 5. Nikolas Coupland | 13. <i>Semiotics: A Handbook on the Sign-Theoretic Foundations of Nature and Culture</i> |
| 6. Paul Cobley | 14. Jean Aitchison |
| 7. <i>Introducing Semiotics</i> | 15. <i>Language Change: Progress or Decay?</i> |
| 8. Litza Jansz | |
| 9. <i>The American Thriller: Generic Innovation</i> | |

منشاء و تکامل زبان^۱ است که در باب تغییر زبان‌اند.

رافائل سالکی^۲ استادیار ارشد مطالعات زبان در دانشگاه برایتون. آثار او شامل روزآمدی چامسکی^۳ و متن و تحلیل گفتمان^۴ است. او به عنوان ویراستار مجله زبان‌ها تقابل^۵ نیز مشغول به فعالیت است.

روی هریس^۶ استاد ممتاز زبان‌شناسی همگانی دانشگاه آکسفورد. آثار او شامل آفرینندگان زبان^۷، اسطوره زبان^۸، دستگاه زبان^۹، پیوند زبان^{۱۰}، و نشانه‌ها، زبان و ارتباطات^{۱۱} (۱۹۹۶) است. ترجمه دوره زبان‌شناسی عمومی^{۱۲} سوسور از سوی او برنده جایزه اسکات مونکریف^{۱۳} شد.

ری جکندوف^{۱۴} استاد زبان‌شناسی و علوم شناختی در دانشگاه براندیس. او از سال ۱۹۱۷ تا کنون به تدریس در این دانشگاه مشغول بوده است. او نویسنده کتاب‌های معنی‌شناسی و شناخت^{۱۵}، آگاهی و ذهن رایانشی^{۱۶}، ساختار استعداد زبان^{۱۷}، و مبانی زبان^{۱۸} است و با همکاری فرد لردال^{۱۹}، دستور زایشی موسیقی آهنگین^{۲۰} را به نگارش درآورده است.

فلوید مرل^{۲۱} استاد نشانه‌شناسی و فرهنگ‌ها و ادبیات آمریکایی اسپانیایی در دانشگاه پوردو. آثار او شامل اندیشیدن بدون تفکر خورخه لویس بورگس، ریاضیات و «فیزیک جدید»^{۲۲}، پیرس، نشانه‌ها و معنی^{۲۳}، درک نشانه‌سازی^{۲۴} و سادگی و پیچیدگی^{۲۵} است.

گوتتر کرس^{۲۶} استاد آموزش زبان انگلیسی در مؤسسه آموزش دانشگاه لندن. آثار

1. *The Seeds of Speech: Language Origin and Evolution*
2. Raphael Salkie
3. *The Chomsky Update*
4. *Text and Discourse Analysis*
5. *Languages in Contrast*
6. Roy Harris
7. *The Language Makers*
8. *The Language Myth*
9. *The Language Machine*
10. *The Language Connection*
11. *Signs, Language and Communication*
12. *Cours de linguistique générale*
13. Scott Moncrieff prize
14. Ray Jackendoff

15. *Semantics and Cognition*
16. *Consciousness and the Computational Mind*
17. *The Architecture of the Language Faculty*
18. *Foundations of Language*
19. Fred Lerdahl
20. *A Generative Grammar of Tonal Music*
21. Floyd Merrell
22. *Unthinking Thinking: Gorge Luis Borges, Mathematics, and the 'New Physics'*
23. *Peirce, Signs, and Meaning*
24. *Sensing Semiosis*
25. *Simplicity and Complexity*
26. Gunther Kress

او شامل زبان به مثابه ایدئولوژی^۱، نشانه‌شناسی اجتماعی^۲ با همکاری روبرت هاگ^۳، تصاویر خوانشی: دستور طرح دیداری^۴ با همکاری تنو فن لوون^۵، پیش از نگارش^۶، دیکته مقدماتی^۷، و آموزش و یادگیری چندوجهی^۸، و چندوجهی بودگی^۹ است که این دو کتاب آخر به زودی به چاپ خواهند رسید.

ویلیام ج. استوکی^{۱۰} استاد ممتاز دانشگاه گالودت، واشنگتن دی سی. او در آنجا به تدریس زبان و فرهنگ، و پژوهش و توصیف زبان اشاره آمریکایی^{۱۱} اشتغال داشت. او این نام را به زبانی داد که برای هزاران سال نادیده گرفته شده بود. آثار او شامل ساخت زبان اشاره^{۱۲}، فرهنگ لغت زبان اشاره آمریکایی^{۱۳}، ایما و ماهیت زبان^{۱۴} (با همکاری دیوید آرمسترانگ^{۱۵} و شرمن ویلکوکس^{۱۶})، و زبان با اشاره دست^{۱۷} می‌شود. او در سال ۲۰۰۰ چشم از جهان فرو بست.

یف فرسورن^{۱۸} مدیر مرکز پژوهش‌های بنیاد فلمانی برای پژوهش‌های علمی و استاد زبان‌شناسی در دانشگاه آنتورپ^{۱۹}. او مؤسس و دبیرکل انجمن جهانی کاربردشناسی^{۲۰} است. آثار او شامل درسنامه کاربردشناسی^{۲۱} (با ویرایش یان اولا اوستمان^{۲۲}، یان بلومرت^{۲۳} و کریس بولکان^{۲۴})، بحث در باب تنوع^{۲۵} (با همکاری یان بلومرت) و درک کاربردشناسی^{۲۶} است.

1. *Language as Ideology*

2. *Social Semiotics*

3. Robert Hodge

4. *Reading Images: The Grammar of Visual Design*

5. Theo van Leeuwen

6. *Before Writing*

7. *Early Spelling*

8. *Multimodal Teaching and Learning*

9. *Multimodality*

10. William C. Stokoe

11. *American Sign Language (ASL)*

12. *Sign Language Structure*

13. *A Dictionary of ASL*

14. *Gesture and the Nature of Language*

15. David Armstrong

16. Sherman Wilcox

17. *Language in Hand*

18. Jef Verschueren

19. Antwerp

20. pragmatics

21. *Handbook of Pragmatics*

22. Jan-Ola Östman

23. Jan Blommaert

24. Chris Bulcaen

25. *Debating Diversity*

26. *Understanding Pragmatics*

سیاسگزاری

به عنوان ویراستار، نوشتن این بخش بر عهده من است. به هر حال، می خواهم بر این نکته تأکید کنم که کتاب حاضر، در کل نتیجه مشارکتی جمعی است. این کتاب بدون همکاری جامعه بین المللی پژوهش گران حوزه نشانه شناسی و زبان شناسی، هیچ گاه به ثمر نمی رسید؛ تمام پژوهش گرانی که حاصل تلاش شان را در این جا می بینید و کار کردن با آن ها بسیار لذت بخش بوده است. امیدوارم این نکته که اینان چگونه خود را وقف دانش و انتشار آن کردند، و همین طور حس دوستانه همکاری مان، در این کتاب منعکس شده باشد. خوشحالم که بگویم، در نتیجه این همکاری، من دوستان بسیار خوبی پیدا کردم و متأسفم از این که یکی از این دوستان را در هفته های آخر پیش از اتمام تولید کتاب از دست دادم.

برخی از کسانی که سهم یکسانی در نگارش این مجموعه داشتند، اسامی شان در این کتاب نیامده است. پیتز پاف^۱، جرمی کوکس^۲، و البته ریچارد اپیگنانسی^۳ افرادی کم نظیرند و می توانم به نمایندگی از طرف بقیه، نام شان را بیاورم. حضور این افراد در کتاب حاضر کاملاً احساس می شود، هر چند که نام شان ذکر نشده است. به همین ترتیب، دونکن هیث^۴ و اندرو فرلو^۵ نقش مهمی در حفظ روحیه و حس خوبی داشتند که به تکمیل اثر پیش رویتان، کمک کرد.

در نهایت، باید به سراغ عبارت معمول مربوط به رفع مسئولیت نویسندگان بروم: هر چند که این کتاب نتیجه مشارکت دسته جمعی است، اما باید خاطر نشان کنم که هر گونه اشتباهی در تمامی صفحات این اثر، متوجه نویسندگان اش نیست. از ابتدا تا

1. Peter Pugh

2. Jeremy Cox

3. Richard Appignanesi

4. Duncan Heath

5. Andrew Furlow

انتهای کتاب، من مسئولیت وجود هر نوع اشتباهی را بر عهده می‌گیرم.

پاول کابلی

لندن

۲۰۰۰

مقدمه

پاول کابلی

به دنبال نشانه‌ها

به راحتی نمی‌توانیم فردی را تصور کنیم که به برقراری ارتباط توجهی نداشته باشد؛ کسی که به هر دلیلی، هیچ‌گاه نخواست به ماهیت پیام‌های خاص را دریابد یا حتی به ماهیت پیام‌ها در کل، پی ببرد. چنین فردی، کسی است که نمی‌تواند بفهمد بچه‌ها چگونه یاد می‌گیرند از زبان استفاده کنند؛ چگونه حیوانات خانگی و جانوران، خواسته‌هایشان را بیان می‌کنند؛ چه فرق بزرگی میان صاعقه و رعد وجود دارد؛ چگونه فهم کاربردهای رایانه دشوار است؛ چگونه قلب در موقعیت‌های هراسناک، تندتر می‌تپد؛ چگونه ممکن است بازرنام‌ها هم محصولات و هم خواسته‌های مصرف‌کنندگان را دربرگیرند؛ چگونه موسیقی می‌تواند آرامش‌بخش باشد؛ چگونه افراد با توجه به لهجه‌هایشان به طبقات اجتماعی و جغرافیایی مختلف طبقه‌بندی می‌شوند؛ چگونه برخی در اجرای تأثیر بسیار ماهرند، اما به درد بازی در سینما نمی‌خورند یا برعکس؛ چگونه بعضی از شهروندان ایالات متحده آمریکا انگشت میانی‌شان را به نشانه عملی زشت‌نشان می‌دهند، اما هم‌نوعانشان در بریتانیا برای این منظور، از هر دو انگشت میانی و اشاره استفاده می‌کنند؛ چگونه پس از این که برخی غذاهای خاص فاسد می‌شوند، بو می‌دهند؛ چگونه موتورهای جستجوگر اینترنت همواره اطلاعات مرتبط با آنچه ما خواسته‌ایم، ارائه می‌دهند؛ روزنامه‌هایی با قطع کوچک چه تفاوتی با روزنامه‌هایی دارند که قطع‌شان بزرگ است؛ و این که چگونه کاربران تلفن همراه در اغلب موارد،

فکر می کنند که باید فریاد بزنند.

به طور خلاصه، این فرد کسی است که اصلاً به عملکرد نشانه‌ها^۱ توجهی نمی کند. طول این فهرست نسبتاً کوتاه و گوناگونی هایش حکایت از این دارد که محال است چنین کسی وجود داشته باشد. بدون تردید، انسان‌ها علاقه شدیدی به نشانه‌ها داشته‌اند و این علاقه نه تنها پیش از تحقیق کلامی در باب اهمیت انسان وجود داشته است، بلکه حتی برای بقای نخستین اجداد گونه انسان نیز حیاتی به شمار می رفت؛ اجدادی که از توانایی کلامی برخوردار نبودند (برای نمونه ر.ک. فولی^۲ ۱۹۹۷، صص ۴۳-۶). حال، مسئله این است که آیا شکل گیری نشانه‌ها در جریان ساختن ابزارها یا شکار صورت گرفت، یا به واسطه زبان و رشد فرهنگ.

اگر فرهنگ را عامل اصلی این مسئله بدانیم، شاید تعجبی نداشته باشد که بگوییم، بررسی ماهیت نشانه‌ها همواره زیر ذره بین تحریف انسان صورت گرفته است. در چنین شرایطی، نشانه‌ها معمولاً به مثابه چیزهایی در نظر گرفته شده‌اند که با ظرفیت زبانی انسان مرتبطند و منجر به تولید محصولات فرهنگی و به ویژه کلامی می شوند. بنابراین، به راحتی می توان تصور کرد که مطالعه نشانه‌ها یعنی نشانه‌شناسی آمریکایی^۳، برخلاف پیشینه طولانی‌اش که در این مجلد هم نشان داده خواهد شد، به نوعی مسئله تحلیل زبان و کشف این مطلب است که چطور ساخته‌های دست بشر و فرایندهای فرهنگ انسان با زبان قابل مقایسه‌اند.

دلایل خوبی برای بروز این سوء تفاهم وجود دارد. موضوعات علوم انسانی سنتی مانند فلسفه، تاریخ و مطالعات ادبی، درست مثل موضوعات جدیدتری نظیر ارتباطات، رسانه‌ها^۴ و مطالعات فرهنگی در این زمینه نقش داشته‌اند و این موارد اخیر، احتمالاً به واسطه رواج نوع خاصی از تفکر یعنی ساخت گرای^۵، پساساخت گرای^۶، و پسانوگرای^۷ به وجود آمده‌اند که شاید بتوان آن را به حضور مجموعه‌ای از هوشمندان در پاریس در اواخر قرن بیستم نسبت داد. حقیقت این است که «ساخت گرای» در اصل از چک و اسلواکی و روسیه سر برآورد. افزون بر این، نشانه‌شناسی در کشورهای نظیر ایتالیا، استونی، فنلاند، کشورهای اسلاو و ایالات متحده آمریکا شکوفا شد؛ البته اگر نخواهیم از کشورهایی مانند چین و ژاپن نامی ببریم. به هر حال، در نتیجه برخی وقایع

1. sign

2. Foley

3. semiotics

4. media

5. structuralism

6. poststructuralism

7. postmodernism

تاریخی و شرایط سازمانی، «نشانه‌شناسی» به اشتباه با ساخت‌گرایی و پس‌ساخت‌گرایی در بریتانیا، با بعضی از دانشگاه‌ها در ایالات متحده آمریکا و پاریس ربط داده شد.

این پیوند، کمابیش با ارجاعات متعدد به اثر زبان‌شناس سوئیسی، فردینان دو سوسور^۱، به شکلی جعلی ارائه شد؛ زبان‌شناسی که ایده نشانه‌شناسی اروپایی^۲ به مثابه «علم» نشانه‌ها را مطرح کرده بود. به این ترتیب، زبان‌شناسی رشته‌ای در نظر گرفته شد که تا حد زیادی به مطالعه نشانه مربوط است. همین مسئله سبب افزایش دیدگاه‌ها در علوم انسانی نظیر مردم‌شناسی، فلسفه، جامعه‌شناسی و به ویژه نظریه ادبی شد؛ دیدگاه‌هایی که به شکل مستقیم یا غیر مستقیم توسط اصول زبان‌شناسی سوسوری و پس‌سوسوری هدایت می‌شدند.

با وجود این، شاید بتوان با اطمینان گفت که بنیاد روان‌شناختی دوره زبان‌شناسی عمومی^۳ (۱۹۷۴ [۱۹۱۶]) در اغلب موارد از بین رفته است، آن هم از طریق تلاش‌هایی که صورت می‌گرفت تا چیزی در قالب مطالعه نشانه را به نام او مطرح کنند. دشواری مسئله به دو طرفه بودن نشانه زبانی مربوط می‌شود؛ به عقیده سوسور، هر نشانه از یک «تصور صوتی»^۴ و یک «مفهوم»^۵ تشکیل شده است که هر دو در ذهن کاربر نشانه وجود دارند. به دلایلی نامعلوم، بسیاری از مفسران اثر سوسور که آن را به سایر حوزه‌ها کشانده و بسط داده‌اند، «تصور صوتی» را به مثابه چیزی مادی تعبیر کرده‌اند و نه آن چیز ذهنی‌ای که مد نظر سوسور بود. ممکن است این مسئله با ترجمه انگلیسی دوره زبان‌شناسی عمومی در سال ۱۹۵۹ به‌رنج‌تر شده باشد؛ با وجود ترجمه انگلیسی دقیق‌تری که از این کتاب در سال ۱۹۸۳ به دست داده شد، ترجمه نادرست دو سوی نشانه یعنی دال^۶ و مدلول^۷، همچنان باقی ماند. این موضوع کاملاً فراگیر شد که زبان‌شناسی سوسور سبب شد تا نشانه زبانی به نقشی تعمیم‌پذیر تغییر یابد و امکانی فراهم شود که به سهولت به سایر پدیده‌های فرهنگی سرایت کند. در واقع، در سال‌های دهه ۱۹۶۰، رولاند بارت^۸ با اندکی سبک‌سری نشانه‌شناسی را صرفاً زیر مجموعه‌ای از رشته اصلی یعنی زبان‌شناسی معرفی کرد (۱۹۶۷، ص ۸).

در پرتو این حقیقت که چنین اظهار نظری در نوشته‌ها مطرح می‌شود، اجازه دهید

1. F. de Saussure

2. semiology

3. *Course in General Linguistics*

4. sound image

5. concept

6. signifier

7. signified

8. Roland Barthes

ما به روشنی و با تعصب بگویم که مطالعه نشانه زبانی به صورت کاملاً متمرکز، یعنی نشانه‌ای که فقط توسط انسان‌ها به کار می‌رود، تنها جزئی از مطالعه کلی نشانه است. مسلماً چنین چیزی صرفاً بخش ناچیزی از مطالعه نشانه محسوب نمی‌شود زیرا زبان بسیار پیچیده است و ظاهراً آن قدر با زندگی روزمره مان عجین است که جامعه دانشگاهی، زبان‌شناسی را برای مدتی به عنوان رشته‌ای اصلی قرار داده بود. به هر حال، زبان به مثابه پدیده‌ای انسانی در سراسر دنیا، تنها یک جنبه از نشانه‌سازی^۱ یا بهتر بگوییم، عمل نشانه‌ها در کل است. به همین ترتیب، زبان در مقایسه با حجم وسیع نشانه‌هایی که از طریق تعامل سلول‌های زنده به وجود می‌آیند، بسیار کوچک می‌نماید.

ما در این جا عمداً روی واژه «زنده» تأکید می‌کنیم. تمایز میان جان‌دار و بی‌جان به ما کمک می‌کند تا دو اصطلاح رایج در نشانه‌سازی را تعریف کنیم که در اغلب موارد، با بی‌توجهی مورد استفاده قرار می‌گیرند. ارتباط، شکلی از نشانه‌سازی است که به تبادل هر نوع پیامی مربوط می‌شود؛ از رمزهای مولکولی و مختصات زیستی سلول‌ها تا جمله‌های تولیدی. دلالت^۲، آن جنبه‌ای از نشانه‌سازی به حساب می‌آید که به ارزش یا نتیجه تبادل پیام مربوط است و گاهی «معنی»^۳ نامیده می‌شود؛ واژه‌ای که مملو از چندمعنایی^۴ است. هر دوی این پدیده‌ها جزء ذاتی زنده بودن و جاندارانی‌اند و در واقع، نشانه‌سازی «نگرش حیاتی به زندگی» در نظر گرفته می‌شود (سیسیاک ۱۹۹۴، ص ۶). با توجه به این مطلب، آن چه برای مطالعه نشانه‌سازی لازم است، نظریه‌ای در باب نشانه است که این قابلیت را داشته باشد تا گستره غیر قابل تصور تمامی انواع نشانه‌ها را تحت پوشش قرار دهد.

نشانه‌شناسی و زبان

در شرایطی که به نظر می‌رسید نشانه‌شناسی اروپایی در حلقه‌های فکری محدود قرن بیستم، آخرین چیزی باشد که به نشانه و به ویژه به پدیده انسانی زبان می‌پردازد، این کار در قالب دو دیدگاه دیگر از سر گرفته شد. نخستین دیدگاه به آن نوع از زبان‌شناسی مربوط می‌شد که در اواخر قرن بیستم به واسطه طرح نوام چامسکی^۵ و پیروانش دوباره جان گرفت. این که او معتقد بود استعداد زبان به شکل ذاتی و دقیق‌تر

1. semiosis

2. code

3. signification

4. meaning

5. polysemy

6. Noam Chomsky

بگویم در قالب دستور جهانی^۱ در نهاد انسان وجود دارد، به شکلی بنیادی شیوه مطالعه زبان‌شناختی را تغییر داده بود. دیدگاه دوم به سه شخصیت اصلی مربوط بود که عبارتند از چارلز موریس^۲، رومن یاکوبسن^۳، و توماس آ. سییاک^۴؛ دو تن از اینان در مکتب زبان‌شناسی جدید تحصیل کرده بودند و سرسختانه می‌کوشیدند حوزه مطالعه نشانه را فراتر از نشانه کلامی گسترش دهند. در نظر هر سه نفر، نظریه نشانه پیرس^۵، که خود نوعی بازنگری در اصول سنتی نشانه‌شناسی به حساب می‌آمد، نقشی اساسی در بررسی گستره ارتباط و دلالت داشت.

از همه مهم‌تر، آن‌چه که بلافاصله باید به آن اشاره کنیم، البته با توجه به عملکرد زبان‌شناسی چامسکیایی و نشانه‌شناسی جدیدی که از سوی این پیشگامان شکل گرفت، مسئله ناشی از اصطلاح کاربردی و متداول «زبان» است. این واژه در اکثر موارد به گونه‌ای استفاده می‌شده است که گویی به چیزی ارجاع می‌دهد که بسیار قابل درک است. آن‌چه از مطالعه ادامه این کتاب به دست می‌آید این است که هر چند در حال حاضر، زبان به عنوان تعریف اصلی انسان در نظر گرفته می‌شود، اما بر سر این مسئله که زبان واقعاً چیست، توافق نظری وجود ندارد. تنها اتفاق نظری که در این زمینه به چشم می‌خورد این است که مثلاً انگلیسی، ترکی، چینی، و زبان اشاره آمریکایی هر کدام یک زبان به حساب می‌آیند و چیزهایی نظیر «زبان بدن»^۶، موسیقی، نظام‌های ارتباط حیوانات، و دیگر ابزارهای نشانه‌گر مانند چراغ‌های راهنمایی، زبان محسوب نمی‌شوند. اثر چامسکی، چالشی جدی برای درک عامه مردم و قشر تحصیل کرده در باب تعریف زبان به وجود آورد؛ پنداشتی که زبان را به مثابه پدیده‌ای مادی متشکل از واژه‌ها، جملات و جز آن می‌دانست که قرار است امکان برقراری ارتباط را تسهیل کند. همان‌طور که در بخش‌های مختلف این کتاب هم صحبت خواهیم کرد، پس از چامسکی، ضرورت بررسی در باب این احتمال احساس شد که زبان را باید نظامی از دانش در ذهن انسان‌ها در نظر گرفت. بنابراین، یک «انقلاب شناختی» لازم بود تا ارتباط میان «زبان»، «ذهن» و «مغز» را نشان دهد.

مطالعات یاکوبسن در باب ویژگی‌های شمایی^۷ و نمایه‌ای^۸ نشانه‌های کلامی و

1. Universal Grammar
2. Charles Morris
3. Roman Jakobson
4. Peirce

5. body language
6. iconic
7. indexical

مباحث او در مورد نقش این نشانه‌ها در اختلالات گفتاری خاص نیز وضعیت نمادین^۱ و پذیرفته شده زبان را با چالش رو به رو کرد. اما آن‌چه در مواجهه با تعریف ناپایدار زبان مهم‌تر به نظر می‌رسد، شاید اثر موريس و سيبياک باشد که با گرایشی زیست‌شناختی صورت گرفت. به ویژه، پژوهش‌های سيبياک در باب ارتباط حیوانات که عنوان ابداعی «نشانه‌شناسی جانوران»^۲ را به خود اختصاص داد، بیش از پیش ظرفیت قابل ملاحظه انسان را برای برقراری ارتباط و دلالت نشان داد. با وجود تفسیرهای ساده‌لوحانه بسیار زیادی که در باب تلاش‌های متخصصان برای آموزش چند نشانه محدود به پستانداران در بند به دست داده می‌شد، نوشته‌های سيبياک همواره بر وجود استعداد منحصر به فرد انسان برای چیزی تأکید می‌کرده است که ما آن را به مثابه زبان می‌شناسیم. در عوض، همین ویژگی «انسان بودن زبان، مطالعه انسان‌های نخستین را بر ایمان تسهیل کرده است؛ آن هم با در نظر گرفتن ظرفیت زبانی به مثابه مختصه تعیین‌کننده گونه‌ها.

بدون شک، تحقیق در مورد منشاء‌ها روشی مطلوب برای کشف این مسئله است که ما به چه دلیل مشغول انجام کارهایی هستیم که امروزه انجام می‌دهیم. در اغلب موارد، تحقیقاتی که برای دانستن منشاء چیزها اعم از جهان، زندگی، زبان و جز آن انجام می‌دهیم ما را به نتیجه‌ای نمی‌رسانند، آن هم به دلیل طرح پرسش‌های نادرست یا فقدان شواهد مطلوب و مناسب. با وجود این، آن‌چه درباره انسان‌های نخستین می‌دانیم، شواهد مهمی را برای طبقه‌بندی «زبان»، «ارتباط»، و «گفتار» در اختیارمان قرار می‌دهد. چنین تصور می‌شود که انسان‌های اولیه یا همان انسان‌های خمیده که حدود دو میلیون سال پیش می‌زیستند، زبان، دستور^۳ یا «ابزار» الگوسازی^۴ در مغزشان داشتند.

انسان‌های ایستاده که حدود یک و نیم میلیون سال پیش می‌زیستند و نسبت به پیشینیان‌شان مغز بزرگ‌تری داشتند نیز از ظرفیت برخوردار بودند و حتی توانایی ناشناخته‌ای برای یادگیری یک نظام ارتباطی کلامی و پیچیده داشتند. به هر حال، توانایی رمزگذاری و رمزگشایی کلامی حدود ۳۰۰/۰۰۰ سال پیش از سوی انسان‌های امروزی اولیه مورد استفاده قرار گرفت. به این ترتیب، انسان‌ها از زمان‌های خیلی دور، دارای ظرفیت زبان بودند؛ پیش از آن که این ظرفیت را به منظور برقراری ارتباط کلامی، با گفتار^۵ تکمیل کنند. قبل از این که ارتباط به شکل کلامی وجود داشته باشد، از طریق

1. symbolic

2. zoosemiotics

3. grammar

4. modelling

5. speech

ابزارهای غیر کلامی صورت می‌گرفت؛ ابزارهایی که انسان‌ها مدت‌ها به کار می‌بردند و امروزه شکل آن را تغییر داده‌اند (ر.ک. سییاک ۱۹۸۶ و ۱۹۹۱؛ کوربالیس^۱ ۱۹۹۹). آن‌چه بسیاری از زبان‌شناسان، دست کم از زمان ویلهلم فن هومبولت^۲ به بعد، باور داشتند این بود که زبان‌ها متشکل از مجموعه محدودی قاعده و واحدهای واژگانی‌اند که در ترکیب با هم به شکلی بالقوه می‌توانند تعداد نامحدودی از ترکیب‌های واژه‌ها را تولید کنند. چنین به نظر می‌رسد که حتی سوسور نیز با تفکیک زبان^۳ از گفتار^۴، این مطلب را تأیید می‌کند، هر چند که مطمئناً او واژه [règle = قاعده] را در معنی rule [= قاعده] مورد نظر چامسکی به کار نمی‌برد و منظورش از زبان، نظامی زایشی نیست (ر.ک. هریس). نتیجه کاربرد این مجموعه محدود، شکل‌گیری نحوه^۵ یا ساخت نحوی^۶ است؛ حتی با وجود این که «قواعد» زایشی در ظاهر، مفهومی بسیار اجتماعی است و این قواعد، محصولی کاربردی و اجتماعی به دست می‌دهد، اما زبان همچنان در برابر این مسئله مقاومت می‌کند که به خاطر ماهیت نسبتاً مستقل‌اش پدیده‌ای مطلقاً «فرهنگی» به حساب آید. چالشی که از سوی چامسکی مطرح می‌شود این است که دست کم برخی از قواعد^۷ زایشی، درست مثل قواعد منطق، تغییرناپذیرند، به این معنی که انسان‌ها چاره‌ای جز به کار بستن آن‌ها ندارند؛ آن‌هم حتی بدون این که آگاه باشند که به چنین قواعدی مجهزند. در نتیجه، این «قواعد» چیزی نیستند که انسان‌ها در تعامل اجتماعی‌شان بر سر آن‌ها «به توافق برسند».

مسلماً مطالعه زبان از طریق کالبدشکافی مغز انسان امکان‌پذیر نیست؛ اما زبان‌شناسی این امکان را فراهم می‌آورد تا از طریق کاربرد واقعی زبان به منظور نظریه‌پردازی در باب چگونگی شکل‌گیری نظامی ذهنی که پیش از زبان وجود داشته، به مطالعه آن بپردازیم. با وجود این، مسئله همچنان پابرجاست؛ جستجو برای یافتن تعریفی از نیازهای زبانی به منظور پی بردن به ظرفیت انسان که پیش از تظاهرش به شکل کلامی، وجود داشته است. سایر موجودات زنده به جز انسان‌ها در ارتباط‌هایشان از اجزای نحوی استفاده نمی‌کنند؛ در واقع «ظرفیت»، قابلیت زیست‌شناختی است که تنها به گونه انسان اختصاص دارد.

1. Corballis

2. Wilhelm von Humboldt

3. langue

4. parole

5. syntax

6. syntactic structure

7. rules

نشانه‌شناسی و علم

همان‌طور که روی هریس در این کتاب اظهار کرده، زبان‌شناسی بارها و بارها به عنوان یک علم معرفی شده است، آن هم بر حسب سنت معمول، و نه در واکنش به رشته‌ای که توسط رویکردهای روش‌شناختی دقیق به منظور تعیین حقیقت علمی تعیین شده است. هر چند بخش اعظم اصول مطرح در حوزه‌هایی به جز زبان‌شناسی، در قالب ساخت‌گرایی و پساساخت‌گرایی، از زبان‌شناسی سوسور و «علم» نشانه‌های مد نظر او نشأت گرفته‌اند، اما به گونه‌ای ضمنی یا صریح، علم به حساب نمی‌آیند. رشته‌ای نظیر نظریه ادبی، مدت‌های طولانی است که خود را از پیشرفت علمی کنار کشیده است. این در حالی است که مطالعات فرهنگی، همواره این اصول را در حوزه خود، مورد توجه قرار داده‌اند.

کتاب *اسطوره‌های امروزی*^۱ رولاند بارت ([۱۹۵۷] ۱۹۷۳ ب)، نوشته‌ای که بارها در مطالعات مربوط به رسانه و فرهنگ مورد توجه قرار گرفته است، آن هم زمانی که رشته‌های متعدد به سمت دانشگاه‌ها هجوم می‌آوردند، نگرشی را دربر می‌گرفت که مسلماً موضعی جدایی طلبانه را مطرح می‌کرد. اصولاً بارت مدعی بود، کتاب *اسطوره‌های امروزی* را به این دلیل به رشته تحریر درآورده است که مشتاق بوده تا ماهیت «طبیعی» محصولات فرهنگی عامه مردم را به دست دهد. او تا آن‌جا پیش می‌رود که می‌گوید، «از این مسئله ناراحت است که طبیعت و تاریخ همواره با هم اشتباه می‌شوند» (همان، ص ۱۱). این انگیزتگی نظری، در مطالعات فرهنگی تکرار می‌شود، به ویژه در کتاب‌هایی که برای دانشجویان نوشته می‌شود. معمولاً این مسئله را به شکل مبحث «فرهنگ در برابر طبیعت» تغییر می‌دادند تا به کمک نشانه‌شناسی اروپایی، «ساخت‌مندشدگی»^۲ بافت‌های عام را نشان دهند (برای نمونه ر. ک. هبیدیج^۳ ۱۹۷۹؛ فیسک^۴ ۱۹۸۹ الف، ۱۹۸۹ ب، ۱۹۹۱؛ چمبرز^۵ ۱۹۸۶ و نیز واکنش نسبت به این مورد در آثار برانتلینگر^۶ ۱۹۹۰ و ترنر^۷ ۱۹۹۰).

به راحتی می‌توان تمایز میان «فرهنگ/طبیعت» را پذیرفت، آن هم با تکیه بر این حقیقت که در زبان انگلیسی بر خلاف زبانی نظیر آلمانی، ظاهراً دو اصطلاح سنتی

1. *Mythologies*
2. constructedness
3. Hebdige
4. Fiske

5. Chambers
6. Brantlinger
7. Turner

برای تفکیک این دو از هم وجود دارد. در موارد دیگر، تقابل میان این دو در پرتو مباحث مربوط به هویت‌ها پررنگ شده است و می‌توان آن را ناشی از مردم‌شناسی لوی-استروس^۱ و یاروانکوی لاکان^۲ دانست (برای نمونه ر.ک. وودوارد^۳ ۱۹۹۷). در مجموع، همان تقابل میان فرهنگ در شکل ساخت‌مندش و طبیعت در شکلی جدا از فرهنگ و ناشناخته، نشان‌دهنده نقد پساساخت‌گرایانه کلی در باب علم است (رابرتسون^۴ و دیگران ۱۹۹۶). در این جا، واکنش علمی در اصل چیزی بود شبیه به این که هر کسی حقیقت و طبیعت را به شکلی اختیاری بیان می‌کند.

بدون تردید، مفهوم علم چیزی فراتر از روابط قدرتی است که حقیقت و عینیت را نامشخص و مبهم نشان داده است. افزون بر این، روشن است که بخش اعظم بی‌عدالتی، بدون در نظر گرفتن آسیب‌های جسمانی، در نتیجه از پیش تعیین کردن ایدئولوژی ناشی شده است که به نام «علمی بودن» به خورد ما داده می‌شود. فقط کافیست نگاهی به آرای لیسنکو^۵، متفکر ایدئولوژی کشاورزی در اتحاد جماهیر شوروی بیاندازیم تا شواهد دردناک آن را ببینیم (ر.ک. لکورت^۶ ۱۹۷۳). ما این بحث را در این جا مطرح کردیم تا برخی مسائل را برای مطالعه بیش تر نشانه‌ها در آینده مورد توجه قرار دهیم؛ این مسائل شامل موارد کلامی‌ای می‌شود که در نتیجه گرایش‌های زبانی انسان مطرح می‌شوند. در حالی که نشانه‌شناسی اروپایی ممکن است به نوعی واکنش «فرهنگ‌گر»^۷ مبدل شده باشد، آن هم در مدعی شدن به این که علمی تازه‌وارد است و می‌تواند راه درونی خود را بییماید، نمی‌توان چنین نگرشی را برای آینده نشانه‌شناسی آمریکایی به حساب آورد؛ اگر چه باید مدعی شد که در برخی حوزه‌ها انگار ما با تداوم همان مسیر قدیمی و مطالعه محصولات فرهنگی درگیریم.

ج. پ. اسنو^۸ به خوبی توانست معضل جدایی دانشمندان از نخبه‌های ادبی در سال ۱۹۵۹ را با استفاده از عبارت «دو فرهنگ» (۱۹۹۳) توصیف کند. او تصویر روشنی از اندیشمندان رشته‌های مختلف را به دست می‌دهد که از گفتگو با یکدیگر اجتناب می‌کنند و در نتیجه، هر چه بیش تر به امور مربوط به خود می‌پردازند. وقتی روزنامه‌ها و مجلات در سال ۱۹۹۹ به نقد و بررسی مباحث او پرداختند، این طور نتیجه‌گیری کردند

1. Lévi-Strauss
2. Lacan
3. Woodward
4. Robertson

5. Lysenko
6. Lecourt
7. culturalist
8. C. P. Snow

که از آن زمان تا کنون، تغییرات اندکی رخ داده است. البته این مطلب هم صحت دارد که سیبیاک نسبت به این مسئله اظهار تأسف کرده است که «تعداد محققانی که با زیرکی خود را بین «دو فرهنگ» نگه داشته‌اند و هر دو جانب را گرفته‌اند، به شکل اندوه‌باری بسیار کم است» (۱۹۹۶، ص ۹۴).

با وجود این، اگر عرصه‌ای فکری وجود داشته باشد که نه تنها از مذاکره محققان در باب جدایی عمیق تحلیل فرهنگی و علم استقبال کند بلکه حتی چنین حرکتی را ضروری تلقی نماید، آن عرصه همان نشانه‌شناسی است. این همان چیزی بود که منجر به بروز «انقلاب شناختی» در مطالعه زبان شد؛ اما دلایل دیگری نیز وجود داشت. در سال‌های پایانی قرن بیستم، ما شاهد پیشرفت‌های کوپرنیکی در مطالعه نشانه بودیم. باقی تلاش‌های دانشمندانی نظیر اوکسکول^۱، موریس، هایدگر^۲، و پرادی^۳ در قالب «نشانه‌شناسی زیستی»^۴ تجلی یافت. سیبیاک، امشه^۵، هافمیر^۶، کرامپن^۷، کول^۸ و برخی دیگر کوشیدند تا محور نشانه‌شناسی را به طور کامل به سمت اولیه‌اش برگردانند، و با این کار توانستند چیزی را احیا کنند که در واقع ریشه‌هایش در «نشانه‌شناسی طب باستانی»^۹ نهفته بود. اگر بخواهیم از دیدگاه پساساخت‌گرایی و پسانوگرایی به قضیه نگاه کنیم، نشانه‌شناسی فرهنگی یا «نشانه‌شناسی مردم‌شناختی»^{۱۰}، از مرکزیت خود خارج شده است، آن هم با افزایش آگاهی نسبت به این مسئله که این دانش در شبکه بسیار گسترده‌تری قرار گرفته است؛ شبکه‌ای که دلالت نشانه‌ای حیوانات، دلالت نشانه‌ای گیاهان، و حتی دلالت نشانه‌ای باکتری‌ها را نیز دربر می‌گیرد.

مفاهیم ضمنی نشانه‌شناسی زیست‌شناختی و به عبارت دیگر، پیچیدگی محض و گستردگی دلالت نشانه، واقعاً شگفت‌انگیز است. اما با وجود این، نه تنها سبب کاهش حرکت در نشانه‌شناسی به طور کلی نمی‌شود، بلکه عکس این اتفاق رخ می‌دهد. در شرایطی که نشانه‌شناسی سوسور با توجه به منشاء پیدایش‌اش، در زبان‌شناسی محدود بود، آموزه‌های پیرس در باب نشانه هیچ محدودیتی نداشتند، زیرا از انعطاف لازم برای طرح در رشته‌های متعدد برخوردار بودند. پیرس دانشمند بود، نه تنها به خاطر کار

1. Uexküll

2. Hediger

3. Prodi

4. biosemiotics

5. Emmeche

6. Hoffmeyer

7. Krampen

8. Kull

9. symptomatology of ancient medicine

10. anthroposemiotics

اصلی‌اش در طرح‌بندی سواحل ایالات متحده و سازمان نقشه‌برداری (ر.ک. برنت^۱ ۱۹۹۸)، بلکه به این دلیل که نشانه‌شناسی او با ادعا و تفسیری آمیخته بود که مشخصه علم است (ر.ک. قیاس^۲، مرحله نخست^۳، مرحله دوم^۴، مرحله سوم^۵، و تفسیر^۶؛ ر.ک. هوکوی^۷ ۱۹۹۲، صص ۱۱۸-۴۴). پیرس ارائه روشی را در چهارچوب کارش قرار داد که از طریق آن زندگی علمی، جامعه‌ای از بازنمایی واقعی دنیای حقیقی بر تن کند. او از همان ابتدا، نظریه‌ای را در باب نشانه در نظر داشت که بیش از متمرکز بودن، جامع باشد؛ همان‌گونه که خطاب به بانو ولبی^۸ می‌نویسد:

این را بدانید، از وقتی نوجوانی دوازده یا سیزده ساله بودم و نسخه‌ای از کتاب منطق^۹ ویتلی^{۱۰} را در اتاق برادرم دیدم و از او پرسیدم که منطق چیست و برادرم پاسخ ساده‌ای به من داد و من آن کتاب را برداشتم و روی زمین دراز کشیدم و غرق در مطالعه آن شدم، دیگر هیچ‌گاه نتوانستم چیزی اعم از ریاضیات، اخلاق، متافیزیک، گرانث، ترمودینامیک، نورشناسی، شیمی، آناتومی مقایسه‌ای، ستاره‌شناسی، روان‌شناسی، آواشناسی^{۱۱}، اقتصاد، تاریخ علم، کارت‌بازی، مرد و زن، نوشیدنی، علم اوزان و مقادیر را جز به مثابه مطالعه نشانه‌شناسی، مطالعه کنم. (۱۹۶۶، ص ۴۰۸)

بنابراین، چنین تصور می‌شود که نشانه‌شناسی، از ماهیت جاننداری و فرهنگ انسانی برخوردار است؛ در واقع تحلیل علمی را با تحلیل فرهنگی منضم می‌کند و پیوستگی دلالت‌های نشانه‌ها را درون زبان و بیرون از آن مورد بررسی قرار می‌دهد.

پرسش‌هایی در باب نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی

بدون تردید، وسعت آموزه‌های مربوط به نشانه‌ها بسیار بزرگ است؛ بنابراین کتاب حاضر صرفاً روی رابطه میان نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی تمرکز می‌کند، به ویژه این که چطور زبان‌شناسی جزئی از نشانه‌شناسی به حساب می‌آید و این که چگونه نیروی حاصل از زبان‌شناسی پساجامسکیایی به گستره وسیع‌تری از نشانه مرتبط است. این

1. Brent
2. abduction
3. firstness
4. secondness
5. thirdness
6. interpretant

7. Hookway
8. Welby
9. Logic
10. Whateley
11. phonetics

کتاب، پرسش‌هایی را مطرح می‌کند که هر فرد متفکری ممکن است در اوایل قرن بیست و یک در ارتباط با نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی مطرح کند. این پرسش‌ها از این قرارند:

الف. در پرتو این حقیقت که زبان‌شناسی بخشی از نشانه‌شناسی است و این که زبان‌شناسی روی ارتباط کلامی متمرکز است، ارتباط غیر کلامی چه چیزهایی را دربرمی‌گیرد و گستردگی آن به چه شکل است؟

ب. اگر نشانه‌شناسی، مطالعه نشانه در حوزه ارتباط کلامی و غیر کلامی است و چارلز س. پیرس، در تدوین این نوع مطالعه در دنیای جدید، فرد بسیار برجسته‌ای محسوب می‌شود، نظریه‌اش در باب نشانه چیست و چگونه می‌توان این نظریه را در سایر پدیده‌های ارتباطی به کار بست؟

پ. با توجه به این که انسان‌ها هم از نشانه‌های کلامی و هم از نشانه‌های غیر کلامی استفاده می‌کنند، چه چیزهایی می‌توانند سرچشمه‌های زبان به حساب آیند؟

ت. زبان را از طریق بازنمایی‌های مادی‌اش می‌توانیم درک کنیم. افزون بر این، زبان پدیده‌ای ذهنی نیز هست؛ اما چیزهای ذهنی را به راحتی نمی‌توان به فیزیولوژی مغز نسبت داد. بر این اساس، رابطه میان «زبان»، «تفکر»، «ذهن» و «مغز» چیست؟

ث. کاربرد زبان در خلاء رخ نمی‌دهد، همیشه افراد دیگری نیز هستند که در این میان نقش دارند، درست مثل عوامل جهانی دیگری نظیر موقعیت، فقر، تبعیض و جز آن. این مسئله متضمن چه چیزی در مطالعه روش کاربرد نشانه‌ها از سوی انسان‌هاست؟
ج. مسلماً انسان‌ها زبان را فقط برای برقراری یک ارتباط مطلوب استفاده نمی‌کنند، گاه به دنبال هدفی هستند یا برای امور خاصی زبان را به کار می‌برند؛ زبان‌شناسی معاصر چه توجیهی برای این مسئله دارد؟

چ. افزون بر این، زبان‌ها در طول تاریخ تغییر می‌کنند و می‌میرند، با وجود این که معمولاً این طور تصور می‌شود که هر زبان، ساخت غیر قابل تغییری است، یا حتی مثل ستاره شمال، چیزی دائمی است، و همواره آمادۀ استفاده است؛ این تغییر چگونه رخ می‌دهد؟

ح. اگر نشانه‌شناسی، و زبان‌شناسی که در بطن آن قرار گرفته است، می‌توانند مباحث مطرح در ابتدای قرن بیست و یک را دربرگیرند، شاید به خاطر پیشرفت‌هایی است که همین اواخر صورت گرفته است؛ پیشرفت‌هایی که پژوهش‌ها را به شیوۀ

جدیدی هدایت یا زمینه‌جدیدی ایجاد کرده‌اند. یکی از مشهورترین نام‌ها در زبان‌شناسی قرن بیستم چامسکی بوده است، چرا؟

خ. یکی دیگر از مشهورترین نام‌ها در زبان‌شناسی در همین دوره، سوسوراست که اصول خاص خودش را برای مطالعهٔ زبان داشت، سرنوشت زبان‌شناسی پس از مرگ او به چه شکل بوده است؟

د. اگر نشانه‌ها و ارتباط در دنیای امروزی تا این حد مهم‌اند و اگر زبان کلامی از چنین نقش کلیدی در زندگی انسان برخوردار است، این اهمیت در ارتباط با سایر چیزهایی که انسان امروزه به آن‌ها توجه می‌کند، مانند هویت و روابط قدرت، چقدر است؟

هر یک از این پرسش‌ها به شکلی خلاصه در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته است. بخش‌های «منابعی برای مطالعهٔ بیشتر» در انتهای هر فصل، زمینه‌ای را برای پاسخ‌های بیشتر به پرسش‌های مطرح شده فراهم می‌کنند.

به این ترتیب، بخش نخست کتاب به مبحث گستردهٔ ارتباط غیر کلامی اختصاص دارد. توماس آ. سبیاک به شکلی فوق‌العاده تصویر کاملی از ارتباطی را نشان می‌دهد که میان «تمامی سازواره‌های زنده» وجود دارد. با در نظر گرفتن تنوع موجود میان دلالت‌های نشانه‌ها درست به همان شکلی که در میان پروکاریوت‌ها^۱، میان ماهی‌ها، یا میان رهبر ارکستر و گروه ارکستر دیده می‌شود، سبیاک توجه‌اش را به شیوهٔ وابستگی سازواره‌ها به الگوها معطوف می‌کند؛ سازواره‌هایی که شامل انسان‌ها نیز می‌شود. البته اگر بخواهیم واژه‌ای برگرفته از نشانه‌شناسی زیست‌شناختی را به کار ببریم باید به جای «الگو»ها از واژهٔ «فضاسازی»^۲ها استفاده کنیم. فصل ۱، دیدگاهی اجتناب‌ناپذیر را در باب جایگاه کلام در دنیای گسترده‌تر غیر کلامی مطرح می‌کند.

پس از آن، مبحث فلوید مرل جایگاه واقعی موضوعی را نشان می‌دهد که هر چند گیج‌کننده می‌نماید، اما محققان را به مدت بیش از صد سال به وجد آورده است؛ یعنی مفهوم نشانه از دیدگاه پیرس. مرل با استفاده از نمونه‌های معروف، خود را در پس اصطلاح‌شناسی غالباً دشوار شخصیت بسیار برجستهٔ فلسفهٔ آمریکایی پنهان می‌کند. پیرس در مقاطع مختلف زندگی‌اش به بحث در باب این موضوع می‌پردازد که ما سه،

1. prokaryotes

2. Umwelt

ده، شصت و شش، یا حتی ۵۹۰۴۹ طبقه نشانه داریم (۱۹۶۶، ص ۴۰۷). مرل به تبعیت از پیرس می‌کوشد این مسئله را نشان دهد که می‌توان طبقات نشانه‌ها را تفکیک کرد و این که نشانه‌شناسی آمریکایی را نمی‌توان طبقه‌بندی محض دانست و این که «در ارتباط با نشانه‌ها نمی‌توان قائل به وجود مقولات صفر و یکی بود». فصل ۲ بیانگر این حقیقت است که نشانه‌سازی، از عاملیت بالقوهٔ تداوم در تولید برخوردار است.

شاید لازم باشد برای این که مبحث مربوط به دلالت نشانه را تکمیل کنیم، نگاهی به گذشته بیاندازیم. به یقین، پژوهش در باب سرچشمه‌های زبان، درست به اندازهٔ خود زبان‌شناسی قدمت دارد، اما دشواری آن سبب شده تا بحث در مورد این موضوع از سوی جوامع زبان‌شناسی ممنوع باشد (ر.ک. سیبیاک ۱۹۸۶، ص ۱۷۲). البته چنین مسئله‌ای مانع از دنبال کردن این موضوع از سوی پژوهشگران نشده است، آن هم به این دلیل که امروزه می‌بینیم انجمنی بزرگ و کنفرانس سالانه‌ای برای این منظور به وجود آمده تا محفلی بین‌المللی برای تبادل یافته‌ها و نظریات جدید در باب این موضوع فراهم آید (ر.ک. صفحات وب در <http://welcome.to/LOS>). در این مجلد، ویلیام ج. استوکی بار دیگر به موضوع سرچشمه‌های زبان می‌پردازد. ویلیام استوکی که به خاطر اثرش در باب زبان‌های اشاره^۱ معروف شد، به ویژه به خاطر این که توانست به مشخصه‌های زبان گونهٔ زبان اشارهٔ آمریکایی بپردازد و از این طریق در هدایت ناشنویان برای خودمختار شدن‌شان مشارکت کند (ر.ک. ماهر^۲ ۱۹۹۶)، در فصل ۳ بار دیگر به این مسئله می‌پردازد که چطور زبان در ارتباط غیر کلامی نهفته است. به ویژه او در مورد زبان‌شناسی در تقابل با زبان‌شناسی چامسکیایی بحث می‌کند که به منظور پژوهش در باب سرچشمه‌ها باید به ایما^۳ توجه بیشتری کنیم. به باور استوکی، قدرت نشانه‌شناختی ایما تا کنون بسیار دست کم گرفته شده است. این مطلب که نوزادان شنوا و ناشنوا چند ماه پیش از کاربرد زبان، از دست‌هایشان برای برقراری ارتباط استفاده می‌کنند، در کنار این حقیقت که انواع ایما از طریق هماهنگی دست، چشم و مغز صورت می‌گیرند و محرک‌های قدرتمند ذهنی به حساب می‌آیند، دلایل خوبی را برای این موضوع فراهم می‌کند تا در پژوهش در باب سرچشمه‌های زبان، ایما را در اولویت اهمیت قرار دهیم. به هر حال، «ذهن»، «مغز»، «تفکر» و «زبان» پدیده‌هایی‌اند که نمی‌توان به راحتی

1. sign languages
2. Maher
3. gesture

تعریفی برایشان ارائه داد. به همین دلیل، ری جکندوف در فصل ۴، مقالهٔ روشنگری می‌نویسد تا خواننده را از فضای رویکرد شناختی کنونی به سمت زبان هدایت کند. او روابط میان نظام‌های مفهومی و حرکتی را بررسی می‌کند؛ روابطی که مسئول «نگاشت دنیای بیرونی بر تفکر و تفکر بر عمل است». پیچیدگی فرایندهای دخیل در این امر، بسیار زیاد است و اصلی‌ترین کاری که در حال حاضر باید انجام دهیم این است که خرده‌نظام‌ها را شناسایی کنیم و به بررسی تعاملات آن‌ها پردازیم. هر چند که در این زمینه نیز به راحتی نمی‌توان به پاسخ دست یافت، اما جکندوف این امکان را برای خوانندهٔ غیر متخصص فراهم می‌آورد تا دریابد که چه پرسش‌های بجایی را در باب این مسئله می‌توان مطرح کرد.

کاربرد واقعی زبان، تنها به نظام‌های مفهومی و حرکتی ختم نمی‌شود. کاربران زبان چنان خود را در هماهنگی‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گرفتار می‌بینند که در سلطهٔ جهانی‌شان، از بنیان شناختی زبان برای این منظور کمک می‌گیرند. در فصل ۵ که به موضوع «زبان‌شناسی اجتماعی»^۱ و نشانه‌شناسی اجتماعی می‌پردازد، گونتر کرس، هماهنگی‌های مربوط به کاربرد کلامی ارتباط را مورد بررسی قرار می‌دهد. کرس به عنوان یک زبان‌شناس اجتماعی، در ابتدا می‌کوشد تا فراتر از حوزهٔ اصلی زبان‌شناسی قدم بگذارد تا گسترهٔ وسیع‌تری از دلالت معنایی به ویژه گرایش روزافزون انسان‌ها به برخورداری از «چندوجهی‌بودگی»^۲ را بررسی کند. بنابراین، فصل پنجم روی این مسئله متمرکز می‌شود که زبان تنها یکی از انواع شیوه‌های برقراری ارتباط است؛ شیوه‌هایی که همگی به لحاظ فرهنگی و اجتماعی شکل گرفته‌اند. در شرایطی که تصور می‌شود زبان به لحاظ بنیادین، پدیده‌ای «طبیعی» است، در این فصل، کرس به ما کمک می‌کند نشان دهیم که در این میان، انتخاب و ترکیبی از وجوه^۳ نشانه‌شناختی تحت تأثیر عوامل فرهنگی قرار گرفته‌اند.

یکی از بخش‌های مهم نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی معاصر، شاخهٔ «کاربردشناسی» است. آن گونه که یف فرشورن در فصل ۶ نشان می‌دهد، غالباً کاربردشناسی به مثابه یکی از عناصر نظریهٔ زبان‌شناسی در مجموع در نظر گرفته می‌شود، انگار درست

1. sociolinguistics
2. multimodality
3. modes

مثل بخش‌هایی مانند آواشناسی، واج‌شناسی^۱ یا صرف^۲، موضوع کاملاً مشخصی برای مطالعه و بررسی دارد. بر این اساس، در اغلب موارد این‌طور تصور می‌شود که کاربردشناسی با برخی مقولات زبان‌شناسی مرتبط با «متن» نظیر شاخص‌ها^۳ یا ضمیر^۴ ها سروکار دارد. فرشورن به گونه‌ای نمربخش، به بازنگری تعریف اولیه کاربردشناسی در اثر موریس می‌پردازد و نشان می‌دهد که دست یافتن به هدف نهایی کاربردشناسی بسیار زمان‌بر است و باید آن را به مثابه حوزه کاملاً متمایزی در زبان در نظر گرفت. به طور خاص، او کاربردشناسی را به دلیل تمرکزش بر کاربرد زبان انسان، «رویکردی نقش‌مند» در نظر می‌گیرد. به طور کلی، ماهیت تعاملی چنین نگرشی، این مطلب را القای کند که کاربردشناسی درون حوزه نشانه‌شناسی، پیوند محکمی با نشانه‌شناسی اجتماعی دارد. یکی از بغرنج‌ترین مسائل مطرح در مطالعه زبان در قرن بیستم، «کش‌گری»^۵ بوده است؛ این که انسان تا چه حد می‌تواند بدون مشکل، خودش تعیین‌کننده اتفاقاتی باشد که در برقراری ارتباط رخ می‌دهد. همان‌طور که تارسیدن به انتهای این کتاب بر ایمان مشخص خواهد شد، کاربردشناسی و نشانه‌شناسی اجتماعی به طور خاص به این مسئله می‌پردازند. با وجود این، یکی از حوزه‌هایی که به مدت صدها سال، پرسش برانگیز بوده و امروزه هم فراتر از زبان‌شناسی آکادمیک، در باب مکالمات روزمره سخنگویان قابل طرح می‌نماید، به فرایند «تغییر زبان» مربوط می‌شود. جین اچیسون، یکی از مشهورترین نظریه‌پردازان معاصر در حوزه تغییر زبان، نگرشی واقعی و تحسین‌برانگیز را در این مورد مطرح می‌کند که خون را در کالبد انسان به جوش می‌آورد و می‌تواند نسیمی فرح‌بخش برای مخاطب خود به همراه داشته باشد. آن‌گونه که او در فصل ۷ نشان می‌دهد، تمایلات انسان‌ها بدون تردید بخشی از این فرایند به حساب می‌آید، اما ماجرا به این جا ختم نمی‌شود. این مسئله نه تنها یکی از مشخصه‌های بارز زبان است که سبب تغییرش می‌شود، بلکه بخشی از فرایند ارتباط انسان‌ها و همچنین حیوانات تلقی می‌شود. مباحث مربوط به تغییر زبان از قدمت طولانی‌تری نسبت به مباحث اصلی مطرح در زبان‌شناسی قرن بیستم برخوردار است. با وجود این، رافائل سالکی فصلی را در مورد طرح نوام چامسکی در این کتاب به رشته تحریر درمی‌آورد تا نشان دهد، نباید طرح چامسکی را در شرایطی مورد ارزیابی قرار دهیم که با اتبوهی از افسانه‌ها و توهّمات

1. phonology
2. morphology
3. deixis

4. pronoun
5. agency

احاطه شده باشد. سالکی این افسانه‌ها را روشنگرانه در هم می‌شکنند، و می‌کوشد رابطه میان زبان‌شناسی چامسکی را با فلسفه و علم نشان دهد و سخن پردازی‌هایی را مردود بداند که گاهی مفاهیم استعداد زبانی و دستور زایشی را دربرمی‌گرفتند. همان‌طور که در فصل ۸، این مطلب روشن خواهد شد، با وجود بحث‌برانگیز بودن این مسئله، چامسکی طرح تحقیقاتی مؤثری را در پیش می‌گیرد و اثر قابل ملاحظه و خردمندانه‌ای از خود بر جای می‌گذارد.

شخصیت برجسته دیگر در زبان‌شناسی قرن بیستم، سوسور بود که آن‌قدر زنده نماند تا ثمره نظریات‌اش را در باب پژوهش در زبان نظاره‌گر باشد. روی هریس، مترجم انگلیسی اثر سوسور، در نوشته‌ای متقاعدکننده و بسیار بدیع، زبان‌شناسی پس از سوسور را واکاوی می‌کند و به ارزیابی میزان دستیابی به سه هدف زبان‌شناسی در سال‌های پس از انتشار دوره زبان‌شناسی عمومی می‌پردازد؛ اهدافی که در این اثر تعیین شده بود. فصل ۹ از دو موضوع ارزشمند برخوردار است: نخست، ارائه دیدگاهی برجسته در باب مسائل گیج‌کننده و متنوع زبان‌شناسی در هشتاد سال اخیر یا سال‌های پس از آن، و دوم، طرح دوباره دیدگاه سوسور در باب زبان‌شناسی؛ دیدگاهی که غالباً توسط عملکرد تأثیرگذار ساخت‌گرایی، پس‌اساخت‌گرایی و دیگر آثار مشهور نشانه‌شناسی به چالش کشیده شده است.

کتاب حاضر، در قالب فصلی در باب گفتمان^۱ نتیجه‌گیری می‌شود، موضوعی که از زمان سوسور همواره مطرح بوده است اما در میان انبوهی از اصول و موقعیت‌های بی‌شماری که برآمده از آن‌هاست، هیچ‌گاه نتوانسته جایگاه ثابتی داشته باشد. هر چند که این اصطلاح متضمن حرکت و استمرار است، اما اثر نیکلاس کوپلند و آدام باورسکی نه تنها برای ثبات بخشیدن به این حوزه سودمند است، بلکه بر این نکته نیز تأکید می‌کند که خود گفتمان می‌تواند به ارتباط، انسجام و یکپارچگی ببخشد. فصل ۱۰ با ارائه تعاریف مختلف از اصطلاح «گفتمان» آغاز می‌شود. یکی از این تعاریف، گفتمان را کاربردی از زبان می‌داند که بزرگتر از بند^۲ یا جمله است. تمرکز بر تعیین‌کننده‌ها و پیامدهای کاربرد زبان، بار دیگر موضوع را به زبان‌شناسی اجتماعی، نشانه‌شناسی اجتماعی و کاربردشناسی بسیار نزدیک می‌کند. افزون بر این، فصل ۱۰ به بحث در

1. discourse

2. clause

باب اصطلاح فراگیر «تحلیل گفتمان»^۱ می‌پردازد، و آن را بیشتر در قالب یک رویکرد، آن هم در ارتباط با شیوه تحلیل مکالمه^۲ مورد توجه قرار می‌دهد. نتیجه قطعی‌ای که به دست داده می‌شود این است که «زبان» نه تنها سطح اجتماعی را منعکس می‌کند، بلکه سطح اجتماعی را ایجاد می‌کند، و به تعامل افراد با جامعه شکل می‌بخشد.

آرای کلاسیک در باب نشانه‌ها و نشانه‌شناسی در حال حاضر

در نخستین سال‌های قرن بیست و یک، پرسش‌هایی در باب قدرت، هویت و زبان، اهمیت بسیار زیادی در زندگی انسان پیدا کرد. این که ما کیستیم و روابطمان در ارتباط با قدرت دیگران به چه شکل است، در حیات اجتماعی دنیای جدید به موضوعاتی دائمی مبدل شده‌اند. هر چند به طور مشخص، عوامل اجتماعی - اقتصادی از اولویت برخوردارند، اما این پرسش‌ها بارها در قالب استعداد کلامی انسان و به ویژه از طریق بحث و جدل در باب زبان‌های ملی بیان شده‌اند (ر.ک. هابسباوم^۳ ۱۹۹۲، صص ۵۲-۶۲). به هر حال، چنین به نظر می‌رسد که این مجادله در حال از بین رفتن است. جان دیلی^۴ این طور می‌نویسد که دوره «پسانوگرایی» کنونی

با از بین رفتن تفکیک بخش‌های زبان‌شناختی ملی جدید هم‌زمان شده است؛ این دوره در قالب دیدگاه جهانی تازه‌ای، فراتر از تفاوت‌های ملی زبان، به وجود می‌آید. این دیدگاه پیدایشی، بر مبنای یکی شدن زبان‌های طبیعی، به گونه‌ای که در سه دوره پیشین مطرح بود، شکل نمی‌گیرد بلکه با هدف دستیابی به پارادایمی معرفت‌شناختی به وجود می‌آید که این قابلیت را داشته باشد تا مکانیسم‌های متعدد تفاوت و تغییر زبانی را در قالب بخشی از چهارچوب خود فلسفه در نظر بگیرد. این جنبش توسعه پسانوگرا، به ویژه در اثر فیلسوف آمریکایی چارلز سندررس پیرس با توصیه روشن‌نگرانه‌اش که می‌گفت، «نیل به بالاترین درجه واقعیت از طریق نشانه‌ها میسر است»، به عنوان مبنای قرار گرفت. (۱۹۹۴، ص ۴۴)

آن‌چه دیلی مطرح می‌کند، تنها اظهار نظری نیست که در باب حاکمیت نشانه‌ها در دنیای کنونی ارائه شده است، هر چند که قطعاً باید آن را جزء معدود گفته‌هایی دانست که تحت تأثیر بدبینی فرهنگی قرار نگرفته است. در حقیقت، اثر او نشان می‌دهد که نشانه‌شناسی کنونی چگونه حیات دوباره عقاید بسیار سودمند مطرح در فلسفه یونان

و لاتین کهن را در باب نشانه‌ها بازنمایی می‌کند (ر.ک. رواقیون و اپیکوریان^۱ و پوئن سو^۲). در مواجهه با معضلات کنونی انسان در باب دلالت، نشانه‌شناسی با آن پیشینه باارزش، به نوعی دُر گرانبها می‌نماید. این مسئله نشان می‌دهد که ارتباط کلامی چگونه درون دنیای وسیع تری از ارتباط غیر کلامی قرار گرفته است؛ چطور حتی انسان‌ها برای دلالت‌های معنایی‌شان، محدود به گفتار نیستند؛ انسان‌ها چطور از شیوه‌های مختلف برای ارتباط استفاده می‌کنند؛ چطور زبان به مثابه یک استعداد ویژه صرفاً به نوع انسان^۳ تعلق دارد؛ و شاید مهم‌تر از همه این که شاید انسان‌ها از نوعی ظرفیت نشانه‌شناختی بهره می‌گیرند تا آن را با زندگی‌شان تطبیق دهند. این همان شرایطی است که انسان را در محیط اطراف‌اش به حیوانات و گیاهان مرتبط می‌کند.

-
1. Stoics and Epicureans
 2. Poinsot
 3. Homo